

انگیزه پیشرفت و رابطه آن با گرایش جوانان روستایی نسبت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، مورد: شهرستان قم

محمدرضا محبوبی *

محمد حسین محمدی ساله **

احمد عابدی سروستانی ***

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی ارتباط بین انگیزه پیشرفت و گرایش جوانان روستایی به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در شهرستان قم انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل تمام جوانان روستایی ۱۵-۲۹ ساله شهرستان قم به تعداد ۴۵۰۵ نفر بود. حجم نمونه بر اساس جدول کرجسی و مورگان، ۳۸۰ نفر تعیین شد که به روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. روایی صوری و محتوایی ابزار پژوهش توسط اعضای هیأت علمی گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان مورد بررسی قرار گرفت. پایایی ابزار پژوهش نیز با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSSWin21 انجام شد. نتایج نشان داد انگیزه پیشرفت و گرایش جوانان روستایی نسبت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تقریباً در سطح متوسطی قرار دارد. نتایج تحلیل همبستگی بیانگر این بود که بین متغیر سن با گرایش جوانان روستایی نسبت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای رابطه منفی و معنی‌دار و بین متغیرهای سطح تحصیلات، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، انگیزه پیشرفت و میزان آشنایی با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با گرایش جوانان روستایی نسبت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. برگزاری دوره‌های آموزشی و توجیهی در زمینه معرفی و اهمیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برای جوانان و والدین آن‌ها در مناطق روستایی از جمله پیشنهاد‌های این مطالعه بوده است.

واژگان کلیدی: انگیزه پیشرفت، گرایش، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، استان قم.

* دانشیار و عضو هیأت علمی گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان،
Email: mahboobi47@gmail.com

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان.

تصویب نهایی: ۹۶/۰۳/۱۰

دریافت مقاله: ۹۶/۱/۳۰

رشد و توسعه هر کشور در گرو توسعه بخش‌های مختلف اقتصادی آن بوده و مهم‌ترین عامل مؤثر در توسعه پایدار نیز منابع انسانی شایسته و کارآمد آن کشور است (بیهیس^۱ و تولنتینو^۲، ۱۹۹۶)؛ از این رو، در روند توسعه، باید در کنار سایر منابع و سرمایه‌های مادی، نقش اصلی را به سرمایه انسانی داد. در این میان، جوانان به مثابه بخشی مهم از جمعیت کشور که سزاوار بهره‌مندی از امکانات رشد و تعالی‌اند، و نیز در قالب نیروی انسانی بالقوه که در تأمین منابع انسانی سهمی به سزا دارند، شایسته توجه بیشتری هستند (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۳). به بیانی دیگر، بخش عمده‌ای از منابع انسانی را (به ویژه در کشورهای جهان سوم که اغلب نرخ رشد جمعیت بالایی دارند و بخش عمده‌ای از جمعیت آن‌ها روستائین است) جوانان روستایی تشکیل می‌دهند. در این راستا، در کشور ما نیز به دلیل بالا بودن نرخ رشد جمعیت، بیش‌ترین قشر جامعه را جوانان تشکیل می‌دهند. لذا، این امر موجب شده که توجه به جوانان روستایی در کشور ما همواره از اهمیت بالایی برخوردار باشد، چرا که جامعه ما دارای اعتقادات و ارزش‌های خاصی است که هدف عمده‌اش رسیدن به جامعه سالم، در سایه ارتقا فرهنگی همه اقشار، به ویژه قشر جوان است. در این میان، علی‌رغم آن‌که جوانان روستایی بخش وسیعی از جمعیت جوانان کشور را به خود اختصاص می‌دهند، اما متأسفانه تعداد قابل توجهی از آنان از مواهب مختلف و به خصوص توسعه آموزشی با توجه به امیال و آرزوهایشان بی‌بهره مانده‌اند (فرپود، ۱۳۷۴). نظر به این‌که جوانان روستایی، بهره‌برداران آینده منابع تولید هستند، برای بهره‌برداری پایدار از این منابع به آموزش‌های متنوعی نیازمند هستند. در واقع، با آموزش جوانان روستایی می‌توان به داشتن روستاییانی آگاه و توانمند برای نیل به اهداف توسعه کشاورزی و در نتیجه تأمین غذای مورد نیاز جمعیت فزاینده کشور امیدوار بود. برنامه‌های توسعه جوانان روستایی وسیله‌ای است با هدف تأمین نیازهای اساسی و اجتماعی آنان و همچنین فراهم ساختن زمینه کسب مهارت‌ها و صلاحیت‌های فردی که آنان احساس می‌کنند برای ورود موفقیت‌آمیز به دوره بزرگسالی بدان نیاز دارند (گوبلی، ۱۹۹۶). در واقع، جوانان از امیال و آرزوهایی چون شغل، درآمد، شأن و منزلت، موقعیت اجتماعی و یا نوعی خاص از زندگی برخوردارند. بنابراین، کلید جذب این جوانان به جامعه روستایی، شغل، آموزش، شناسایی و مد نظر قرار دادن این امیال و

1. Bilhis
2. Tolentino
3. Gobeli

آرزوها و تلاش در راستای فراهم کردن امکان دستیابی آن‌ها به اهدافشان است. از سویی دیگر، موفقیت سیاست توسعه اجتماعی کشور نیز در گرو جذب و حفظ جوانان روستایی در روستاها است (بیفورد، ۱۹۸۹). در این راستا، می‌توان گفت که آموزش نیروی انسانی به عنوان یک مکانیسم کلیدی برای توسعه مد نظر بوده و بر این اساس، برنامه‌ریزان و مدیران در کشورهای گوناگون می‌کوشند تا در انتخاب نظام آموزشی کارآمد یا کارآمدتر نمودن نظام آموزشی موجود، کم‌ترین فرصتی را از دست ندهند (معمدی و همکاران، ۱۳۹۲). آموزش‌های فنی و حرفه‌ای یکی از روش‌هایی است که با استفاده از آن می‌توان جوانان روستایی را به گونه‌ای آموزش داد که یافته‌های خود را در راستای سازندگی خویش و جامعه روستایی و کشور خود به کار گیرند.

افزایش جمعیت و بالارفتن نرخ بیکاری و تمایل روستاییان خصوصاً جوانان روستایی به مهاجرت به شهرها به منظور یافتن شغل، امروزه نیاز به آموزش نیروی انسانی ماهر در زمینه‌های فنی و حرفه‌ای را بیش از پیش آشکار نموده است. در این میان با توجه به اهمیت آموزش جوانان روستایی، توجه به ارائه آموزش‌های مهارتی در شاخه‌های گوناگون کشاورزی، صنعت و خدمات ضروری است (نصیری، ۱۳۹۰). در این راستا، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با همراه و هم‌آهنگ کردن آموزش‌های نظری و عملی، این امکان را برای افراد آموزش‌دیده فراهم می‌کند تا هم‌سویی بیشتری با نیازهای بازار کار داشته و از این راه، برای جذب در فعالیتهای اقتصادی - اجتماعی آمادگی بیشتری پیدا کنند (سلیمی‌فر و مرتضوی، ۱۳۸۴). بنابراین، امروزه از یک سو، جوانان روستایی بخش عمده‌ای از جمعیت و نیروی کار جامعه را تشکیل می‌دهند و به عنوان بازوی کار در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده‌های روستایی نقش ارزنده‌ای دارند (شهبازی، ۱۳۸۴) و از دیگر سو، بخش کشاورزی، پایه و اساس اقتصاد روستاها، کشور و زمینه‌ساز رشد و توسعه آن است. رشد و توسعه بخش‌های دیگر در گرو رشد و توسعه آن بوده و بدون آن، عوامل و نهاده‌های لازم برای فعالیت سایر بخش‌های اقتصادی فراهم نمی‌شود. بنابراین با توجه به اهمیت اشتغال و نیروی انسانی جوان در توسعه کشور و دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی با تکیه بر کاهش بیکاری، اشتغالزایی در بخش کشاورزی دارای جایگاهی ویژه است (شکویی، ۱۳۸۴). بنابراین، از مجموع آن‌چه گفته شد می‌توان به این نتیجه دست یافت که چنان‌چه بتوان جوانان روستایی را به سمت آموزش‌های فنی و

حرفه‌ای در راستای بهبود مهارت‌های اشتغالزایی در آنان سوق داد، می‌توان بسیاری از چالش‌های موجود در کشور نظیر فقر، بیکاری، مهاجرت، حاشیه‌نشینی در شهرها و ... را برطرف کرد.

بدیهی است سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای با ارائه آموزش‌های مهارتی نقش به‌سزایی در شکل‌گیری مهارت در اقشار جوان روستایی ایفا می‌کند؛ به گونه‌ای که با ارائه آموزش‌های مهارتی- کاربردی منتج به اشتغال، در نواحی محروم و دورافتاده و به کارگیری پتانسیل‌های منطقه‌ای، زمینه ارتقا مهارت و دانش حرفه‌ای جوانان روستایی فراهم می‌شود (نصیری، ۱۳۹۰). علی‌رغم این نقش کلیدی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و با توجه به صرف هزینه‌های زیاد از سوی این نهاد آموزشی، به نظر می‌رسد میزان استقبال و بهره‌مندی گروه‌های جوان روستایی از آموزش‌های فنی و مهارتی، در حد مورد انتظار نباشد. بخشی از دلایل این امر به عدم آگاهی و شناخت کافی جامعه جوان روستایی کشور از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و فقدان گرایش مناسب آنان به این آموزش‌ها برمی‌گردد که منزلت پایین اجتماعی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و نبود تبلیغات مناسب در مورد نقش و کارکرد این آموزش‌ها در این زمینه بی‌تاثیر نیست.

بر مبنای تعریف گرایش به معنی یک نظام از تمایلات، عقاید و اعتقاداتی است که فرد نسبت به پدیده‌های محیط خود دارد که در طول زمان در پی تأثیرات محیطی و تجربیات شکل می‌گیرد و تابع دو عامل انتظار فایده (به معنی آن که یک شخص تا چه حد از یک پدیده انتظار فایده دارد) و ارزیابی فایده (که طی آن شخص ارزیابی می‌کند که آیا آن پدیده به نظر او برای او فایده داشته (یا دارد) یا خیر (رفیع پور، ۱۳۷۲)، اما انگیزش به حالت‌های درونی موجود که موجب هدایت رفتار او به سوی نوعی هدف می‌شود، اشاره می‌کند. به طور کلی، انگیزش را می‌توان به عنوان نیروی محرک فعالیت‌های انسان و عامل جهت دهنده آن تعریف کرد. انگیزش را به موتور و فرمان اتومبیل تشبیه کرده‌اند و در این مقایسه، نیرو و جهت، مفاهیم عمده انگیزش هستند. بنابراین، انگیزش عامل فعال ساز رفتار انسان است (سیف، ۱۳۷۹). یکی از انواع انگیزه‌ها، انگیزه پیشرفت می‌باشد. نیاز به پیشرفت عبارت است تلاش برای موفقیت در هر موقعیتی؛ به نحوی که عملکرد بتواند طبق برخی از استانداردهای عالی بودن ارزیابی شود. افرادی که نیاز به پیشرفت بالایی دارند، کسانی هستند که می‌خواهند خودشان

مسائل را حل کنند، هدفمندند و تلاش می‌کنند که با توانایی شخصی خود به اهداف شان دست یابند (لیتونن، ۲۰۰۰).

بررسی‌های مختلف حاکی از آن است که علی‌رغم اهمیت موضوع این مطالعه، هیچ پژوهش مشابهی تاکنون در این خصوص انجام نشده است، لذا در این بخش تنها به ذکر نتایج مطالعاتی بسنده می‌کنیم که به نوعی با موضوع این پژوهش تشابهی دارند از جمله این که نوریبخش (۱۳۷۲) نشان داد از نظر اکثر مدیران هنرستان‌ها، کاهش انگیزه هنرجویان نسبت به ادامه تحصیل، مهمترین عامل افت تحصیلی در هنرستان‌ها می‌باشد. یافته‌های مطالعه سالاری (۱۳۷۵) نشان داد که بیشترین مانع ورود دانش‌آموزان به شاخه فنی و حرفه‌ای و کار دانش والدین می‌باشند. کمبود و مجهز نبودن کارگاه‌ها در مدارس فنی و حرفه‌ای و کار دانش و مشکل کاریابی بعد از فراغت از تحصیل از دیگر موانع ورود به شاخه فنی و حرفه‌ای و کار دانش می‌باشد. نگرش ۷۱ درصد از گروه‌های مورد بررسی نشان داد که عامل گرایش فرزندان به شاخه فنی و حرفه‌ای و کار دانش علاقه خود آنان است. همچنین دختران نسبت به پسران نگرش مساعدتری به شاخه کار دانش و فنی و حرفه‌ای نشان داده‌اند. حسن‌پور و رشکی (۱۳۷۶) با بررسی ویژگی‌ها و نیازهای آموزشی دختران جوان روستایی نشان دادند هر چقدر میزان آموزش و تحصیلات در دختران جوان بیشتر بوده است میزان مرگ و میر کودکان پایین‌تر، رسیدگی به کودکان و تغذیه آنان مطلوب‌تر، تنظیم خانواده و توجه به نکات بهداشتی بالاتر، بازدهی اقتصادی و درآمد خانوار بالاتر، آگاهی از حق و حقوقشان بیشتر، مشارکت اجتماعی آنها بیشتر و امید به زندگی افراد خانواده‌شان بیشتر خواهد بود. آزاد ارمکی (۱۳۸۴) در مطالعه خود با تاکید بر موضوع مشروعیت بخشیدن به آموزش شغلی در جامعه سنتی، ضرورت و اهمیت آموزش مشاغل برای اعضای خانواده را یادآور شده است. سلیمی‌فر و مرتضوی (۱۳۸۴)، در بررسی‌های خود به این نتیجه دست یافتند که ۴۵/۶ درصد از شرکت‌کنندگان در دوره‌های فنی و حرفه‌ای، دستیابی به شغل مناسب را اصلی‌ترین و مهمترین انگیزه خود برای شرکت در این دوره‌ها عنوان نموده‌اند. لوسانی و همکاران (۱۳۸۶)، نیز در مطالعه‌ای تحت عنوان رابطه فعالیت تحصیلی، انگیزه پیشرفت، هوش هیجانی و متغیرهای بافتی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، به این نتیجه دست یافتند که جنسیت، درستی انجام تکلیف،

تحصیلات مادر، انگیزه پیشرفت، سن دانش‌آموز و درگیری والدین در امر تحصیل تأثیر معناداری بر پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دارند. جهرمی و شهیدی زندی (۱۳۸۸)، معتقدند که انگیزه‌ها علاوه بر این که تأثیر مستقیمی بر کارایی و عملکرد فراگیران دارند، همچنین می‌توانند موفقیت آنان را پیش‌بینی کرده و معیاری برای سیاست‌گذاران در بخش آموزش کشاورزی باشند. یافته‌های برخی پژوهش‌ها و مطالعات انجام شده، مبین نقش و اهمیت انگیزه پیشرفت در پیشرفت تحصیلی است. به عنوان مثال تمنایی‌فر و گندمی (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای با عنوان رابطه انگیزه پیشرفت با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان، به این نتیجه دست یافتند که بین انگیزش و پیشرفت تحصیلی، رابطه معنی‌داری وجود دارد. نتایج مطالعه نوحی و همکاران (۱۳۹۱) نشان داد بین انگیزه پیشرفت با موفقیت تحصیلی دانشجویان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. جاویدنیا و جاویدنیا (۱۳۹۲) در مطالعه خویش به این نتیجه دست یافتند که بین نیاز اقتصادی، افزایش استقلال و نگرانی از آینده با گرایش به مهارت‌آموزی در بخش مشاغل خانگی رابطه معناداری وجود دارد. سلیمانی‌فر و شعبانی (۱۳۹۲)، در مطالعه خویش به این نتیجه دست یافتند که بین خودکارآمدی و انگیزه پیشرفت با سازگاری تحصیلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. ملکی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان انگیزه‌های مهارت‌آموزان برای شرکت در دوره‌های فنی و حرفه‌ای کشاورزی شهرستان کرمانشاه به این نتیجه دست یافتند که مهم‌ترین انگیزه فردی مهارت‌آموزان، افزایش حضور در اجتماع به جهت ارتقاء تجارب فردی و اثبات خود به دیگران پس از کسب مهارت بوده است. همچنین یافته‌های مطالعه مذکور حاکی از آن بود که دستیابی به مهارت به منظور به دست آوردن شغل مناسب در آینده، پیشرفت و بهبود آینده شغلی و کاربرد مهارت‌های به روز در محیط کار، مهم‌ترین انگیزه‌های حرفه‌ای مهارت‌آموزان به شمار می‌رفتند.

راداگریشنا و اینگرام (۲۰۰۵) بر این باورند که برای جوانان در جوامع روستایی باید زمینه‌های لازم برای توسعه توانایی‌های رهبری محلی، گسترش توانایی‌های لازم برای حل مسائل و مشکلات و توسعه فعالیت‌های حرفه‌ای مهیا شود. عمانی^۳ و

1. Radhakrishna
2. Ingram
3. Amani

چیزری^۱ (۲۰۰۶) در پژوهشی با بررسی گرایش و دیدگاه‌های جوانان روستایی به فعالیت‌های گروهی و مشارکتی، به این نتیجه دست یافتند که جوانان روستایی گرایش نسبتاً مطلوبی به فعالیت‌های گروهی دارند. در این تحقیق بین سطح سواد، مشارکت اجتماعی و آگاهی در زمینه فعالیت‌های گروهی و مشارکتی با گرایش جوانان روستایی در زمینه فعالیت‌های گروهی رابطه معنی‌داری وجود داشت. پژوهش لنت^۲ و همکاران (۲۰۰۹) بر روی ۲۵۲ دانشجو نشان داد که خودکارآمدی و حمایت محیطی پیش‌بینی کننده پیشرفت به هدف و سازگاری تحصیلی است. در مطالعه مذکور، دانشجویان اذعان داشتند هنگامی که از خودکارآمدی قوی و حمایت اجتماعی برخوردارند، به عملکرد تحصیلی مورد انتظارشان دست می‌یابند. نتیجه مطالعه اکوچا^۳ (۲۰۰۹) در زمینه نگرش والدین نسبت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نشان‌داد والدین اگرچه نسبت به این نوع آموزش نگرش مثبتی نداشته‌اند اما عنوان کرده‌اند در صورتی که نسبت به ایجاد فرصت‌های شغلی توسط آموزش‌های مذکور آگاه شوند، نگرش خود را تغییر خواهند داد. مطالعه موزاکیتیس^۴ (۲۰۱۰) نشان داد زنجیره ارتباطی بین شناسایی بازار، برنامه‌ریزی و آموزش فنی و حرفه‌ای در توسعه اقتصادی مؤثر و مهم می‌باشد. شری^۵ و همکاران (۲۰۱۳) در مطالعه خویش به نگرش منفی جامعه نسبت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کشور غنا اذعان نموده‌اند.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان نتیجه گرفت بین انگیزه‌ها و از جمله انگیزه پیشرفت به عنوان یکی از مهم‌ترین انگیزه‌ها و گرایش‌ها رابطه وجود دارد، چرا که هر دو در جهت‌دهی رفتار مؤثر هستند (سیف، ۱۳۷۹). از آنجا که هدف از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، بهبود قابلیت‌های افراد برای کسب شایستگی‌های لازم در قبول مسئولیت‌های حرفه‌ای و شغلی است، این سوال مطرح است که آیا بین انگیزه پیشرفت و گرایش جوانان به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ارتباطی وجود دارد؟ لذا، هدف کلی از انجام این پژوهش، بررسی رابطه بین انگیزه پیشرفت با گرایش جوانان روستایی شهرستان قم به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و اهداف جزئی شامل:

۱. سنجش میزان انگیزه پیشرفت جوانان روستایی

1. Chizari
2. Lent
3. Akocha
4. Mouzakitis
5. Sherry

۲. سنجش گرایش جوانان روستایی نسبت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای
۳. تعیین ارتباط بین انگیزه پیشرفت و گرایش جوانان روستایی به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای
۴. تعیین اثر عوامل دموگرافیک و انگیزه پیشرفت بر گرایش جوانان روستایی به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌باشد.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق مورد استفاده در این مطالعه از لحاظ هدف، کاربردی؛ از لحاظ میزان نظارت و درجه کنترل متغیرها، میدانی؛ و از لحاظ نحوه گردآوری و تحلیل داده‌ها نیز از نوع تحقیقات توصیفی-همبستگی به‌شمار می‌رود. جامعه آماری پژوهش شامل تمام جوانان روستایی ۱۵-۲۹ ساله سه بخش مرکزی، جعفر آباد و کهک شهرستان قم به تعداد ۴۵۰۵ نفر بود. براساس جدول نمونه‌گیری کرجسی^۱ و مورگان^۲ (۱۹۷۰) حجم نمونه به تعداد ۳۸۰ نفر تعیین شد. شیوه نمونه‌گیری چند مرحله‌ای بود بدین صورت که از بخش مرکزی، دهستان قنوت و ۶ روستا، از بخش جعفر آباد دهستان جعفر آباد و ۵ روستا و از بخش کهک، دهستان کهک و ۳ روستا به طور تصادفی انتخاب و در هر روستا نمونه‌ها به تناسب انتخاب شدند. در این پژوهش از سه روش مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای، منابع الکترونیکی و مطالعه میدانی با استفاده از پرسشنامه استفاده شد. سوالات این پرسشنامه مشتمل بر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، گرایش به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و انگیزه پیشرفت هرمنس^۳ (۱۹۷۰) بود. به منظور بررسی روایی پرسشنامه، نظرات اعضای هیأت علمی گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان در پرسشنامه بررسی و لحاظ شد و برای بررسی میزان پایایی آن، تعداد ۳۰ پرسشنامه به صورت آزمایشی در خارج از محدوده جغرافیایی تحقیق تکمیل و مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای گرایش جوانان روستایی به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ۰/۷۱ و برای انگیزه پیشرفت ۰/۷۶ بدست آمد. اطلاعات به‌دست آمده از پرسشنامه در دو بخش آمار توصیفی (فراوانی، درصد، درصد تجمعی،

1. Krejcie
2. Morgan
3. Hermans

نما، کمینه، بیشینه، میانگین و انحراف معیار) و استنباطی (مقایسه میانگین و تحلیل همبستگی) با استفاده از نرم‌افزار SPSSWin21 مورد پردازش و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها و بحث

ویژگی‌های فردی و اقتصادی پاسخگویان

بر اساس نتایج تحقیق، میانگین سن اکثر پاسخگویان ۲۵/۵۸ سال، ۳/۹ درصد بی‌سواد، ۳/۹ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۵۶/۳ درصد دارای تحصیلات راهنمایی و دبیرستان و ۳۱/۸ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی بودند. میزان درآمد ماهیانه خانواده اکثر پاسخگویان (۸۰/۳ درصد) بین ۵۰۰ تا ۱۱۳۰ هزار تومان و میانگین آن ۹۳۴ هزار تومان بود (جدول ۱). اکثر آنان مرد (۲۰۹ نفر)، تقریباً نیمی از آنان (۴۸/۴ درصد) مجرد و اکثر آنان (۶۰/۳ درصد)، بیکار بودند. سطح تحصیلات پدر اکثر آنان (۷۶/۳ درصد)، راهنمایی و پائین‌تر و سطح تحصیلات مادر اکثر آنان (۹۲/۱ درصد) نیز راهنمایی و پائین‌تر برخوردار بود. اکثر جوانان روستایی (۸۴/۲ درصد) در سطح متوسط و پائین‌تر با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای آشنا بودند و تنها ۱۵/۸ درصد (۶۰ نفر) اذعان داشتند که تا حد زیادی با این نوع آموزش‌ها آشنا هستند. ۲۴/۲ درصد از جوانان روستایی خودشان با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای آشنا شده بودند و ۱۹/۷ درصد از آنان از طریق اعضای خانواده، ۳/۹ درصد از طریق دوستان، ۳/۹ درصد از طریق اقوام و بستگان، ۲۴/۲ درصد به واسطه مدرسه و دانشگاه و ۲۳/۹ درصد دیگر نیز از طریق رسانه‌هایی نظیر رادیو و تلویزیون با این آموزش‌ها آشنا شده بودند. اکثر جوانان روستایی (۵۲/۱ درصد)، تاکنون در هیچ دوره آموزشی که توسط سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای برگزار شده شرکت نکرده‌اند و تنها ۱۸۲ نفر (۴۷/۹ درصد) از آنان در این دوره‌ها شرکت کرده‌اند از ۱۸۲ نفری که در این دوره‌ها شرکت کرده بودند، ۶۱ نفر (۴۲/۱ درصد) در زمینه کشاورزی، ۳۰ نفر (۷/۹ درصد) در زمینه ساختمان، ۶۱ نفر (۴۲/۱ درصد) در زمینه صنایع دستی و ۳۰ نفر (۷/۹ درصد) در زمینه کامپیوتر آموزش دیده بودند.

انگیزه پیشرفت

به منظور بررسی وضعیت و تعیین سطح انگیزه پیشرفت جوانان روستایی مورد مطالعه، از ۲۹ گویه در قالب طیف چهار درجه‌ای استفاده شد. جوانان روستایی بر اساس انگیزه پیشرفت در سه دسته، افراد با نمره کمتر از ۶۱ در دسته اول (انگیزه پیشرفت کم)، افراد

با نمره ۹۴-۶۲ در دسته دوم (انگیزه پیشرفت متوسط) و افراد با نمره ۹۴ و بیش تر در دسته سوم (انگیزه پیشرفت زیاد) قرار گرفتند. همان طور که در جدول ۱ آمده است، ۳۲/۱ درصد از جوانان روستایی انگیزه پیشرفت کمی دارند و اکثر آنان (۶۷/۹ درصد) نیز از انگیزه پیشرفت متوسطی برخوردارند. همچنین نتایج حاکی از آن است که میانگین انگیزه پیشرفت جوانان روستایی مورد مطالعه ۶۵/۸۹ است که بر اساس دسته بندی فوق می توان گفت که جوانان روستایی تقریباً از انگیزه پیشرفت متوسطی برخوردارند.

جدول (۱). توزیع فراوانی پاسخگویان براساس میزان انگیزه پیشرفت

میزان انگیزه پیشرفت	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کم	۱۲۲	۳۲/۱	۳۲/۱
متوسط	۲۵۸	۶۷/۹	۱۰۰
زیاد	۰	۰	-
جمع	۳۸۰	۱۰۰	-

میانگین: ۶۵/۸۹ انحراف معیار: ۷/۶۵ بیشینه: ۸۷ کمینه: ۵۴

گرایش نسبت به آموزش های فنی و حرفه ای

به منظور بررسی وضعیت و تعیین سطح گرایش جوانان روستایی مورد مطالعه نسبت به آموزش های فنی و حرفه ای، از ۱۲ گویه در قالب طیف پنج درجه ای لیکرت استفاده شد. برای قرار دادن جوانان روستایی مورد مطالعه بر اساس گرایش به آموزش های فنی و حرفه ای در سه دسته، افراد با نمره کمتر از ۲۰ در دسته اول (گرایش کم)، افراد با نمره ۲۱-۴۰ در دسته دوم (گرایش متوسط) و افراد با نمره ۴۱ و بیش تر در دسته سوم (گرایش زیاد) قرار گرفتند (جدول ۳). با توجه به نتایج، ۳۹/۷ درصد از جوانان روستایی در سطح متوسطی به آموزش های فنی و حرفه ای گرایش دارند و اکثر آنان (۶۰/۳ درصد) نیز به میزان زیادی به این آموزش ها گرایش دارند. این در حالی است که نتایج حاکی از آن است که میانگین گرایش جوانان روستایی ۴۰/۲۴ است که بر اساس دسته بندی فوق می توان گفت که جوانان روستایی تقریباً در سطح متوسطی به آموزش های مذکور گرایش دارند (جدول ۲).

جدول (۲). توزیع فراوانی پاسخگویان براساس میزان گرایش به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

میزان گرایش	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کم	۰	۰	۰
متوسط	۱۵۱	۳۹/۷	۳۹/۷
زیاد	۲۲۹	۶۰/۳	۱۰۰
جمع	۳۸۰	۱۰۰	-

میانگین: ۴۰/۲۴ انحراف معیار: ۵/۲۴ بیشینه: ۵۲ کمینه: ۳۱

مقایسه انگیزه پیشرفت و گرایش پاسخگویان نسبت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر اساس ویژگی‌های فردی

به‌منظور مقایسه انگیزه پیشرفت و گرایش جوانان روستایی نسبت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر اساس ویژگی‌های فردی نظیر جنسیت، وضعیت تأهل، وضعیت شغلی و شرکت در دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای از آزمون من‌ویت‌نی استفاده شد (جدول ۳). نتایج بیانگر این است که بین انگیزه پیشرفت جوانان روستایی بر اساس متغیر شرکت در دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای اختلاف معنی‌داری از لحاظ آماری وجود ندارد. اما این نتیجه در خصوص سایر متغیرهای مورد مطالعه صادق نیست به طوری که بین انگیزه پیشرفت جوانان روستایی بر اساس متغیرهای جنسیت، وضعیت تأهل و وضعیت شغلی آنان اختلاف معنی‌داری در سطح یک درصد وجود دارد. بنابراین، با احتمال ۹۹ درصد می‌توان اظهار کرد که انگیزه پیشرفت جوانان روستایی مورد مطالعه بر اساس جنسیت، وضعیت تأهل و وضعیت شغلی آنان متفاوت است و بر اساس میانگین رتبه‌ای می‌توان گفت که انگیزه پیشرفت دختران، افراد مجرد و بیکار نسبت به پسران، افراد متأهل و شاغل بالاتر است. علاوه بر این، نتایج نشان می‌دهد که بین گرایش جوانان روستایی نسبت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر اساس متغیرهای جنسیت و وضعیت شغلی آنان اختلاف معنی‌داری از لحاظ آماری وجود ندارد. اما این نتیجه در خصوص سایر متغیرهای مورد مطالعه صادق نیست به طوری که بین گرایش جوانان روستایی نسبت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر اساس متغیرهای وضعیت تأهل و شرکت در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای اختلاف معنی‌داری در سطح یک درصد وجود دارد. بنابراین، با احتمال ۹۹ درصد می‌توان اظهار کرد که گرایش جوانان روستایی مورد مطالعه نسبت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر اساس متغیرهای وضعیت تأهل و شرکت در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای متفاوت است. بر اساس

میانگین رتبه‌ای می‌توان گفت که گرایش افراد متاهل و افرادی که در دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای شرکت کرده‌اند نسبت به افراد مجرد و کسانی که در دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای شرکت نکرده‌اند، گرایش بیشتری به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای دارند.

جدول (۳). مقایسه انگیزه پیشرفت و گرایش پاسخگویان نسبت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

متغیر وابسته	متغیر مستقل	طبقات	میانگین رتبه‌ای	فراوانی	Z	مقدار آزمون	سطح معنی‌داری																																																																								
انگیزه پیشرفت	جنسیت	پسر	۱۶۸/۵۱	۲۰۹	۵/۴۵	۱۴۱۰۹/۵**	۰/۰۰۰																																																																								
		دختر	۲۰۸/۴۹	۱۷۱				انگیزه پیشرفت	وضعیت تأهل	مجرد	۲۰۹/۴۶	۱۸۴	۳/۳۱	۱۱۷۸۳/۵**	۰/۰۰۰	متاهل	۱۵۶/۱	۱۸۱	انگیزه پیشرفت	وضعیت شغلی	بیکار	۲۱۴/۵۷	۲۲۹	۳/۱۲	۱۱۷۷۷**	۰/۰۰۰	شاغل	۱۵۳/۹۹	۱۵۱	انگیزه پیشرفت	شرکت در دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای	بله	۱۹۲/۶۹	۱۸۲	۱/۴۷	۱۷۶۱۹/۵	۰/۷۰۹	خیر	۱۸۸/۴۹	۱۹۸	گرایش به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای	جنسیت	پسر	۱۹۳/۷۶	۲۰۹	۱/۵۹	۱۷۳۱۲/۵	۰/۵۹۹	دختر	۱۸۷/۸۳	۱۷۱	گرایش به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای	وضعیت تأهل	مجرد	۱۵۵/۶۱	۱۸۴	۴/۸۷	۱۱۶۱۲**	۰/۰۰۰	متاهل	۲۱۰/۸۵	۱۸۱	گرایش به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای	وضعیت شغلی	بیکار	۱۸۹/۳۳	۲۲۹	۱/۲۸	۱۷۰۲۰/۵	۰/۷۹۶	شاغل	۱۹۲/۲۸	۱۵۱	گرایش به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای	شرکت در دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای	بله	۲۱۳/۰۱	۱۸۲	۲/۹۱
انگیزه پیشرفت	وضعیت تأهل	مجرد	۲۰۹/۴۶	۱۸۴	۳/۳۱	۱۱۷۸۳/۵**	۰/۰۰۰																																																																								
		متاهل	۱۵۶/۱	۱۸۱				انگیزه پیشرفت	وضعیت شغلی	بیکار	۲۱۴/۵۷	۲۲۹	۳/۱۲	۱۱۷۷۷**	۰/۰۰۰	شاغل	۱۵۳/۹۹	۱۵۱	انگیزه پیشرفت	شرکت در دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای	بله	۱۹۲/۶۹	۱۸۲	۱/۴۷	۱۷۶۱۹/۵	۰/۷۰۹	خیر	۱۸۸/۴۹	۱۹۸	گرایش به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای	جنسیت	پسر	۱۹۳/۷۶	۲۰۹	۱/۵۹	۱۷۳۱۲/۵	۰/۵۹۹	دختر	۱۸۷/۸۳	۱۷۱	گرایش به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای	وضعیت تأهل	مجرد	۱۵۵/۶۱	۱۸۴	۴/۸۷	۱۱۶۱۲**	۰/۰۰۰	متاهل	۲۱۰/۸۵	۱۸۱	گرایش به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای	وضعیت شغلی	بیکار	۱۸۹/۳۳	۲۲۹	۱/۲۸	۱۷۰۲۰/۵	۰/۷۹۶	شاغل	۱۹۲/۲۸	۱۵۱	گرایش به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای	شرکت در دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای	بله	۲۱۳/۰۱	۱۸۲	۲/۹۱	۱۳۹۲۱**	۰/۰۰۰	خیر	۱۶۹/۸۱	۱۹۸						
انگیزه پیشرفت	وضعیت شغلی	بیکار	۲۱۴/۵۷	۲۲۹	۳/۱۲	۱۱۷۷۷**	۰/۰۰۰																																																																								
		شاغل	۱۵۳/۹۹	۱۵۱				انگیزه پیشرفت	شرکت در دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای	بله	۱۹۲/۶۹	۱۸۲	۱/۴۷	۱۷۶۱۹/۵	۰/۷۰۹	خیر	۱۸۸/۴۹	۱۹۸	گرایش به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای	جنسیت	پسر	۱۹۳/۷۶	۲۰۹	۱/۵۹	۱۷۳۱۲/۵	۰/۵۹۹	دختر	۱۸۷/۸۳	۱۷۱	گرایش به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای	وضعیت تأهل	مجرد	۱۵۵/۶۱	۱۸۴	۴/۸۷	۱۱۶۱۲**	۰/۰۰۰	متاهل	۲۱۰/۸۵	۱۸۱	گرایش به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای	وضعیت شغلی	بیکار	۱۸۹/۳۳	۲۲۹	۱/۲۸	۱۷۰۲۰/۵	۰/۷۹۶	شاغل	۱۹۲/۲۸	۱۵۱	گرایش به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای	شرکت در دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای	بله	۲۱۳/۰۱	۱۸۲	۲/۹۱	۱۳۹۲۱**	۰/۰۰۰	خیر	۱۶۹/۸۱	۱۹۸																	
انگیزه پیشرفت	شرکت در دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای	بله	۱۹۲/۶۹	۱۸۲	۱/۴۷	۱۷۶۱۹/۵	۰/۷۰۹																																																																								
		خیر	۱۸۸/۴۹	۱۹۸				گرایش به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای	جنسیت	پسر	۱۹۳/۷۶	۲۰۹	۱/۵۹	۱۷۳۱۲/۵	۰/۵۹۹	دختر	۱۸۷/۸۳	۱۷۱	گرایش به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای	وضعیت تأهل	مجرد	۱۵۵/۶۱	۱۸۴	۴/۸۷	۱۱۶۱۲**	۰/۰۰۰	متاهل	۲۱۰/۸۵	۱۸۱	گرایش به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای	وضعیت شغلی	بیکار	۱۸۹/۳۳	۲۲۹	۱/۲۸	۱۷۰۲۰/۵	۰/۷۹۶	شاغل	۱۹۲/۲۸	۱۵۱	گرایش به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای	شرکت در دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای	بله	۲۱۳/۰۱	۱۸۲	۲/۹۱	۱۳۹۲۱**	۰/۰۰۰	خیر	۱۶۹/۸۱	۱۹۸																												
گرایش به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای	جنسیت	پسر	۱۹۳/۷۶	۲۰۹	۱/۵۹	۱۷۳۱۲/۵	۰/۵۹۹																																																																								
		دختر	۱۸۷/۸۳	۱۷۱				گرایش به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای	وضعیت تأهل	مجرد	۱۵۵/۶۱	۱۸۴	۴/۸۷	۱۱۶۱۲**	۰/۰۰۰	متاهل	۲۱۰/۸۵	۱۸۱	گرایش به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای	وضعیت شغلی	بیکار	۱۸۹/۳۳	۲۲۹	۱/۲۸	۱۷۰۲۰/۵	۰/۷۹۶	شاغل	۱۹۲/۲۸	۱۵۱	گرایش به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای	شرکت در دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای	بله	۲۱۳/۰۱	۱۸۲	۲/۹۱	۱۳۹۲۱**	۰/۰۰۰	خیر	۱۶۹/۸۱	۱۹۸																																							
گرایش به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای	وضعیت تأهل	مجرد	۱۵۵/۶۱	۱۸۴	۴/۸۷	۱۱۶۱۲**	۰/۰۰۰																																																																								
		متاهل	۲۱۰/۸۵	۱۸۱				گرایش به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای	وضعیت شغلی	بیکار	۱۸۹/۳۳	۲۲۹	۱/۲۸	۱۷۰۲۰/۵	۰/۷۹۶	شاغل	۱۹۲/۲۸	۱۵۱	گرایش به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای	شرکت در دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای	بله	۲۱۳/۰۱	۱۸۲	۲/۹۱	۱۳۹۲۱**	۰/۰۰۰	خیر	۱۶۹/۸۱	۱۹۸																																																		
گرایش به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای	وضعیت شغلی	بیکار	۱۸۹/۳۳	۲۲۹	۱/۲۸	۱۷۰۲۰/۵	۰/۷۹۶																																																																								
		شاغل	۱۹۲/۲۸	۱۵۱				گرایش به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای	شرکت در دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای	بله	۲۱۳/۰۱	۱۸۲	۲/۹۱	۱۳۹۲۱**	۰/۰۰۰	خیر	۱۶۹/۸۱	۱۹۸																																																													
گرایش به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای	شرکت در دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای	بله	۲۱۳/۰۱	۱۸۲	۲/۹۱	۱۳۹۲۱**	۰/۰۰۰																																																																								
		خیر	۱۶۹/۸۱	۱۹۸																																																																											

** معنی‌داری در سطح ۱ درصد

مقایسه انگیزه پیشرفت و گرایش پاسخگویان نسبت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر اساس نحوه آشنایی با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

به منظور مقایسه انگیزه پیشرفت و گرایش جوانان روستایی نسبت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر اساس متغیر نحوه آشنایی آنان با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از آزمون کروسکال‌والیس استفاده شد (جدول ۴). بر اساس نتایج، بین انگیزه پیشرفت جوانان روستایی مورد مطالعه بر اساس متغیر نحوه آشنایی آنان با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

اختلاف معنی داری در سطح یک درصد وجود دارد؛ به طوری که با توجه به میانگین رتبه‌ای می‌توان اظهار کرد جوانان روستایی که از طریق دوستان با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای آشنا شده‌اند دارای بیشترین انگیزه و آنهایی که از طریق بستگان و فامیل با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای آشنا شده‌اند دارای کم‌ترین انگیزه هستند. علاوه بر این نتایج ارائه شده در جدول مذکور نشان می‌دهد که بین گرایش جوانان روستایی مورد مطالعه نسبت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر اساس متغیر نحوه آشنایی آنان با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای اختلاف معنی داری در سطح یک درصد وجود دارد؛ به طوری که با توجه به میانگین رتبه‌ای می‌توان اظهار کرد جوانان روستایی که از طریق مدرسه و دانشگاه با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای آشنا شده‌اند دارای بیشترین گرایش نسبت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و آنهایی که از طریق دوستان با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای آشنا شده‌اند دارای کم‌ترین گرایش نسبت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای هستند.

جدول (۴). مقایسه انگیزه پیشرفت و گرایش پاسخگویان به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر اساس نحوه آشنایی آنان با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

متغیر وابسته	متغیر مستقل	طبقات	میانگین رتبه‌ای	مقدار آزمون	سطح معنی داری
انگیزه پیشرفت	نحوه آشنایی با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای	خودم	۱۵۷/۰۷	۸۴/۶**	۰/۰۰۰
		اعضای خانواده	۲۲۵/۶		
		دوستان	۳۷۳		
		بستگان و فامیل	۱۰۷/۵		
		مدرسه یا دانشگاه	۱۵۰/۹۶		
		رسانه‌ها	۲۱۸/۹۵		
گرایش به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای	نحوه آشنایی با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای	خودم	۱۸۳/۱۵	۱۲۶/۹۶**	۰/۰۰۰
		اعضای خانواده	۹۶/۱		
		دوستان	۸۴		
		بستگان و فامیل	۱۲۹		
		مدرسه یا دانشگاه	۲۶۰/۶۴		
		رسانه‌ها	۲۳۲/۵۱		

** معنی داری در سطح ۱ درصد

تحلیل همبستگی

به منظور بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل مورد مطالعه (سن، سطح تحصیلات پاسخگویان، سطح تحصیلات پدر و مادر، میزان درآمد ماهیانه خانواده، میزان آشنایی با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و انگیزه پیشرفت) و گرایش جوانان روستایی مورد مطالعه نسبت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از تحلیل همبستگی اسپیرمن استفاده شد (جدول ۵). نتایج بیانگر این است که رابطه منفی و معنی داری در سطح یک درصد بین متغیر سن با گرایش جوانان روستایی نسبت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای وجود دارد؛ به عبارت دیگر، می‌توان گفت با افزایش سن، گرایش جوانان روستایی نسبت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای کاهش می‌یابد و برعکس. این در حالی است که بر اساس نتایج جدول مذکور، مشاهده می‌شود که بین متغیرهای سطح تحصیلات، تحصیلات پدر و مادر، انگیزه پیشرفت و میزان آشنایی با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با گرایش جوانان روستایی مورد مطالعه نسبت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای رابطه مثبت و معنی داری در سطح یک درصد وجود دارد. به عبارت دیگر با افزایش این متغیرها، گرایش جوانان روستایی مورد مطالعه نسبت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای افزایش می‌یابد. بین میزان درآمد ماهیانه خانواده با گرایش جوانان روستایی نسبت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای اختلاف معنی داری از لحاظ آماری وجود ندارد.

جدول (۵). رابطه بین متغیرهای مورد مطالعه با گرایش

پاسخگویان نسبت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

متغیر	مقدار ضریب همبستگی	سطح معنی داری
سن	۰/۳۲۲**	۰/۰۰۰
سطح تحصیلات	۰/۱۵۵*	۰/۰۰۳
تحصیلات پدر	۰/۳۸۲**	۰/۰۰۰
تحصیلات مادر	۰/۳۰۱**	۰/۰۰۰
میزان آشنایی با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای	۰/۴۵۹**	۰/۰۰۰
میزان درآمد ماهیانه خانواده	۰/۰۸۵	۰/۹۷
انگیزه پیشرفت	۰/۲۲۸**	۰/۰۰۰

* معنی داری در سطح ۵ درصد

** معنی داری در سطح ۱ درصد

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

به‌رغم نقش کلیدی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، به نظر می‌رسد میزان استقبال و بهره‌مندی گروه‌های جوان روستایی از آموزش‌های فنی و مهارتی، در حد مورد انتظار نباشد. بخشی از دلایل این امر به عدم آگاهی و شناخت کافی جامعه جوان روستایی کشور از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و فقدان گرایش مناسب آنان به این آموزش‌ها برمی‌گردد. در این راستا، پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط بین انگیزه پیشرفت و گرایش جوانان روستایی به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در شهرستان قم انجام شد. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که انگیزه پیشرفت دختران، افراد مجرد و بیکار نسبت به پسران، افراد متأهل و شاغل بالاتر است. در توضیح این یافته می‌توان گفت از آنجایی که افراد بیکار در جستجوی یافتن شغل هستند، انگیزه پیشرفت بالاتری دارند اما افراد شاغل نظر به این که شغل مورد نظر خود را یافته‌اند انگیزه کمتری برای پیشرفت دارند و به شغل خود اکتفا نموده و به دنبال بهبود شرایط شغلی و یا جستجوی شغل جدید نیستند. همچنین، نظر به این که دختران روستایی از نظر مالی و عاطفی وابستگی بالایی به خانواده دارند و از استقلال چندانی برخوردار نیستند، لذا انگیزه بیشتری برای پیشرفت دارند تا به موجب آن بر مشکلات مذکور فائق آیند. نتایج مطالعات لواسانی و همکاران (۱۳۸۶) نیز با این یافته، هم‌سو و هم‌جهت است. همچنین، نظر به این که افراد مجرد به دنبال تشکیل زندگی و کاهش وابستگی به خانواده هستند، لذا انگیزه بیشتری برای بهبود شرایط خود دارند. همچنین نتایج نشان داد گرایش افراد متأهل و کسانی که در دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای شرکت کرده‌اند نسبت به این آموزش‌ها بیشتر است. پرواضح است که کسانی که در دوره‌های فنی و حرفه‌ای شرکت کرده‌اند، نسبت به مزایا و کاربردهای دوره‌های مذکور آگاه شده و گرایش بیشتری نسبت به این دوره‌ها دارند. علاوه بر این نتایج پژوهش نشان داد جوانان روستایی که از طریق مدرسه و دانشگاه با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای آشنا شده‌اند دارای بیشترین گرایش و آنهایی که از طریق دوستان با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای آشنا شده‌اند دارای کمترین گرایش نسبت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای هستند. در توضیح این نتیجه می‌توان گفت جوانانی که از طریق مدارس و دانشگاه‌ها با آموزش‌های مذکور آشنا می‌شوند، با استدلال و منطق علمی نسبت به مزایای آموزش‌های مذکور توجیه شده و لذا گرایش بیشتری نسبت به این‌گونه آموزش‌ها دارند. در عین حال نتایج نشان داد با افزایش سن گرایش جوانان روستایی نسبت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای کاهش می‌یابد و برعکس. به نظر می‌رسد با توجه به این که جوانان روستایی نسبت به افراد مسن‌تر،

بیش‌تر به دنبال شغل و پیشرفت حرفه‌ای هستند، لذا گرایش بیشتری به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای دارند، چرا که به موجب آن مهارت‌های لازم برای اشتغال در بخش خاصی را کسب می‌کنند. نتایج نشان داد که بین متغیرهای سطح تحصیلات جوان، تحصیلات پدر و مادر، انگیزه پیشرفت و میزان آشنایی با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با گرایش جوانان روستایی نسبت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. در توضیح این نتیجه می‌توان گفت، هر چه تحصیلات خود فرد و والدین او بیشتر باشد، انگیزه پیشرفت بالاتری داشته باشد و با این آموزش‌ها آشنایی بیشتری داشته باشد، بیش‌تر به اهمیت و نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در اشتغال‌زایی واقف خواهد بود و بیش از سایرین آگاه است و در شرایط کنونی کشور که امکان جذب و استخدام در ادارات دولتی بسیار دشوار است، به دنبال کسب مهارت‌هایی برای خوداشتغالی است و در نتیجه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بهترین گزینه برای نیل به هدف مذکور خواهد بود.

با توجه به نتایج و به منظور افزایش گرایش جوانان روستایی به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، پیشنهادهای زیر قابل ارائه است:

با توجه به این‌که نتایج پژوهش نشان داد جوانان روستایی که از طریق مدرسه و دانشگاه با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای آشنا شده‌اند، گرایش بیشتری نسبت به این آموزش‌ها دارند. توصیه می‌شود که در مدارس و دانشگاه‌های کشور اقدام به برگزاری دوره‌های توجیهی و تبلیغی در خصوص آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مناسب جوانان روستایی و مزایای آن نمایند.

با توجه به نتایج پژوهش، سطح تحصیلات پدر و مادر رابطه مثبت و معنی‌داری با گرایش جوانان روستایی به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای داشت، لذا توصیه می‌شود که به منظور آشنایی والدین با این آموزش‌ها دوره‌های توجیهی آموزش فنی و حرفه‌ای و ضرورت گذراندن دوره‌های مذکور در شرایط فعلی جامعه (کمبود استخدام دولتی و بالا بودن نرخ بیکاری) دوره‌هایی برگزار شود.

به سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای پیشنهاد می‌شود، با تشریح آینده شغلی افرادی که در دوره‌های فنی و حرفه‌ای شرکت کرده‌اند و همچنین آگاهی جوانان روستایی از نرخ بالای بیکاری فارغ‌التحصیلان سایر رشته‌ها، انگیزه آنان را برای شرکت در دوره‌های مذکور بالا ببرند.

منابع

- آزاد ارمکی، ت. (۱۳۸۴). جامعه شناسی تغییرات اجتماعی در ایران. انتشارات اجتماع.
- تمنایی فر، م. ر و گندمی، ز. (۱۳۹۰). رابطه انگیزه پیشرفت و پیشرفت تحصیلی در دانشجویان. فصلنامه راهبردهای آموزش، شماره ۴، صص ۱۹-۱۵.
- جاویدنیا، ک. و جاویدنیا، م. (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زنان به مهارت آموزی در بخش مشاغل خانگی. آموزش فنی و حرفه‌ای و اشتغال در ایران تهران: سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور. صص ۴۰۷-۳۹۲.
- بخشی جهرمی، آ. و شهیدی زندی، ک. (۱۳۸۸). بررسی انگیزه تحصیل دانشجویان رشته‌های کشاورزی دانشگاه جامع علمی- کاربردی کرمان. علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران. سال پنجم، شماره ۲، صص ۹۹-۸۹.
- حسن‌پور، ز. و رشکی، ز. (۱۳۷۶). بررسی ویژگی‌ها و نیازهای آموزشی دختران جوان روستایی. مجموعه مقالات سمینار، تواناسازی دختران جوان روستایی در مشارکت‌های اجتماعی، کردستان: صص ۳۰۷-۲۸۱.
- رفیع پور، ف (۱۳۷۲). سنجش گرایش روستائیان نسبت به جهاد سازندگی، تهران: نشر ارغوان.
- سالاری، ع (۱۳۷۵). بررسی نگرش دانش‌آموزان سال اول نظام جدید آموزش متوسطه والدین آن‌ها نسبت به شاخه فنی و حرفه‌ای و کار دانش در سال تحصیلی ۷۴-۷۵ در استان یزد. مرکز تحقیقات آموزش و پرورش خراسان رضوی.
- سلیمانی‌فر، ا و شعبانی، ف (۱۳۹۲). رابطه بین خودکارآمدی و انگیزه پیشرفت با سازگاری تحصیلی دانشجویان کارشناسی سال اول دانشگاه شهید چمران اهواز. مجله مطالعات روانشناسی تربیتی، سال دهم، شماره هفده، صص ۱۰۴-۸۳.
- سلیمی‌فر، م و مرتضوی، س (۱۳۸۴). سرمایه انسانی و کارآفرینی در رویکرد فنی و حرفه‌ای (مورد مطالعاتی خراسان). مجله دانش و توسعه، شماره ۱۷، صص ۶۴-۸۶.
- سلطانی، ع؛ چهارسوقی امین، ح. و آرایش، م.ب. (۱۳۹۳). تحلیل عوامل مؤثر بر گرایش جوانان روستایی شهرستان ایلام به اشتغال در بخش کشاورزی، پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، سال هفتم، شماره سوم، صص ۷۲-۵۷.
- سیف، ع. ا. (۱۳۷۹). روانشناسی پرورشی، چاپ پانزدهم، ویراست پنجم. تهران: آگاه.
- شهبازی، ا. (۱۳۷۶). تشکل‌های مردمی برای مشارکت در توسعه فرهنگی نهادند. اولین همایش نهادشناسی، ۱۳ شهریور ماه ۱۳۷۶، نهادند.

شکویی، ح. (۱۳۸۴). *فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی*، چاپ دوم، انتشارات گیتاشناسی، تهران.

فربود، ف. (۱۳۷۴). *دیدگاه کارکنان ترویج کشاورزی استان خوزستان پیرامون تشکیل انجمن‌های جوانان روستایی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، بخش ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز.

لواسانی، غ؛ کیوانزاده، م. و کیوانزاده، ه (۱۳۸۶). *رابطه انگیزه پیشرفت و سلامت روان در دانشجویان رشته‌های پزشکی شهر تهران*، روانشناسی و علوم تربیتی، سال چهل و هفتم، شماره دوم، صص ۱۳۶-۱۲۵.

معتمدی، م؛ روستا، ک؛ کهنسال واجارگاه، س و زارعی، غ. ر. (۱۳۹۲). *بررسی وضعیت موجود آموزش‌های فنی و حرفه‌ای روستاییان استان خراسان جنوبی از نظر نیروی انسانی*، محتوای آموزشی، ارزشیابی آموزشی و تبیین وضعیت مطلوب آن. آموزش فنی و حرفه‌ای و اشتغال در ایران، تهران: سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور. صص ۴۵۸-۴۴۵.

ملکی، ط؛ مرادی، خ؛ حیدری، ن؛ متقی، م. و نادری، ن. (۱۳۹۳). *انگیزه‌های مهارت‌آموزان برای شرکت در دوره‌های فنی و حرفه‌ای کشاورزی شهرستان کرمانشاه*. فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، شماره سی‌ام، صص ۸۸-۷۷.

نصیری، ه. (۱۳۹۰). *آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در مناطق روستایی ایران (مهارت‌آموزی زمینه‌ساز توسعه پایدار روستایی)*. سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، دفتر امور آموزش روستایی، ۱۴ ص.

نوحی، س؛ حسینی، م؛ رخساری زاده، ح؛ صبوری، او علیشیری، غ. (۱۳۹۱). *بررسی انگیزه پیشرفت و رابطه آن با موفقیت تحصیلی در دانشجویان رشته‌های پزشکی، پرستاری و خدمات درمانی دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج)*. مجله طب نظامی، سال چهاردهم، شماره سه، صص ۲۰۰-۲۰۴.

نوربخش، ح. (۱۳۷۲). *میزان بهره‌مندی واحد مرکز تحقیقات سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای استان اصفهان از تجهیزات در مقایسه با خط تعادل*. پرورش استان اصفهان.

Amani, A and Chizari, M (2006). An analysis of farming system sustainability among wheat farmers (Khozestan Province). *Iranian Journal of Agricultural Sciences*, 37 (2), 257-266.

- Akocha, M. (2009). Parental attitudes towards vocational education: Implications for counseling. *Edo Journal of Counselling*, 2 (1), 81- 89.
- Gobeli, V. C. (1996). Extension rural youth programmes: Part of a comprehensive strategy for sustainable development in developing countries. In: Report of Expert Consultation on Extension Rural youth and sustainable Development. Prepared by the Agricultural Extension and Education Service (SDRE) Research, Extension and Training Division, FAO, Rome, Italy.
- Hermans, H. J. M. (1970). A questionnaire measure of achievement motivation. *Journal of Applied Psychology*, 54,353-363.
- Krejcie, R. V and Morgan, D. W. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational and Psychological Measurement*, 30, 607-610.
- Lent, R.W., Taveira, M.C., Sheu, H.B., and Singley, D. (2009). Social cognitive predictors of academic adjustment and life satisfaction in Portuguese college students: A longitudinal analysis. *Journal of Vocational Behavior*, 74 (2), 190-198.
- Littunen, H. (2000). Entrepreneurship and the characteristics of the entrepreneurial personality. *International Journal of Entrepreneurial Behaviour & Research*, 6: 295- 309
- Mouzakitis, G. S. (2010). The role of vocational education and training curricula in economic development. *Educational organization e-DEKA, Aghioi Theodoroi (Almyrra), Korinth, Greece.*
- Radhakrishna, R. B and Ingram, P. D. (2005). Youth in Developing World: Implication for Research in International Agricultural and Extension Education. *Proceeding of the 21th Annual Conferences Association for International Agricultural and Extension Education.*
- Sherry, K. A and Yesuenyagbe, A.K. F. (2013). Challenges facing technical and vocational education in Ghana. *International Journal of Scientific & Technology Research*, 2 (6), 253-255.